

بازکاوی مفهوم واژه‌های «عُسر» و «یُسِر» در قرآن با رویکرد منطق «تقابل» دوگانه

دکتر مهین حاجی‌زاده^۱ - رعنا فرهادی^۲

چکیده

عنصر تقابل دوگانه یکی از مباحث بنیادین در زبان‌شناسی است که ساختارگرایان و پساساختارگرایان در مطالعات نقد معاصر ادبی برای تحلیل معنای دو ضد، از آن استمداد می‌جویند. آنچه در این پژوهش به عنوان گزینشی برای تحلیل و بازشناسی تقابلی مورد نظر است، دو واژه «عسر» و «یسر» بر اساس آیاتی است که این دو واژه در مجاورت هم قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و گاه تفسیری، به بازکاوی مفهوم این واژگان بر اساس رابطه تقابل دوگانه پرداخته، گویای این است که خداوند برای تبیین بسیاری از مفاهیم دینی، از تقابل دوگانه بهره‌جسته و از این طریق، ضمن ملموس ساختن این مفاهیم، درک و پذیرش آن‌ها را برای مخاطب آسان‌تر نموده است. کاربرد واژگان مذکور بیشتر در مفهوم گشایش کارها و امیدبخشی به کار رفته است. این دو واژه، از جمله واژگان نویدبخش قرآن کریم به شمار می‌روند که به انسان آرامش بخشیده، او را به سربلندی و سعادت امیدوار می‌سازند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ساختارگرایی، تقابل دوگانه، عُسر، یُسِر.

شکوه

سال سی و هشتم / ش ۱۴۴ / پاییز ۱۳۹۸

hajizadeh@azaruniv.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

Farhadirana95@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، (ص ۹۶-۱۲۱).

طرح مسئله

موضوع تقابل دوگانه، یکی از مفاهیم اساسی در ساختارگرایی است که به تبیین مفهوم دو واژه متضاد در یک نظام معنادار می‌انجامد. به طور کلی تقابل دوگانه در حوزه زبان‌شناسی جای دارد و در نقد ادبی معاصر، ساختارگرایان از آن برای تحلیل متون ادبی کمک می‌گیرند. این تئوری در میان ساختارگرایان، جایگاهی ویژه به خود اختصاص داده، تقابل را برای دستیابی به هم‌آیی گفتمانی واژگان متقابل مطرح می‌کند.

ساختارگرایان به این موضوع توجه کرده‌اند که بیشتر پدیده‌ها در جهان ذهنی انسان، از تقابل‌های دوگانه (عناصر متضاد) ساخته شده‌اند (هستی/ نیستی، گرم/ سرد، طبیعت/ فرهنگ). پدیده طباق یا تضاد یکی از آرایه‌های فن بدیع در ادبیات فارسی و دیگر زبان‌ها بوده است؛ اما آنچه ساختارگرایان آن را تقابل‌های دوگانه می‌خواندند، ماهیتی گسترده‌تر از امر بدیعی داشت و شامل همه عرصه‌های تفکر، زبان و فلسفه می‌شد (کوپال، ۱۳۹۴: ۷).

تدبر و تأمل در واژگان کلیدی قرآن، راهی برای رسیدن به حقیقت و حقانیت کتاب الهی است. از این میان دو واژه «عسر» و «یسر» از جمله واژگان موضوع بحث در قرآن کریم به شمار می‌آیند که رابطه تقابل دوگانه میان این دو واژه در آیات شریفه، به گونه‌های مختلف، اهداف خود را به مخاطبان بازگو می‌کند. به بیانی دقیق‌تر، خداوند در سیستم نظام‌مند قرآن، با مقابل هم قرار دادن برخی واژگان، مخاطب را به صورت غیرمستقیم ارشاد می‌کند.

واژه «عسر» به معنای سختی و واژه «یسر» به معنای آسانی به عنوان واژگان نویدبخش، در قرآن کریم بارها به کار رفته است. با توجه به سیاق و بافت آیات، واژه «عسر» با مشتقات خود در ۱۲ آیه و ۱۲ بار و واژه «یسر» نیز با مشتقات خود در ۴۱ آیه و ۴۴ مرتبه در آیات قرآن تبلور یافته‌اند. از این تعداد، کاربرد واژه «یسر»، ۳۶ مرتبه در مقابل

مفهوم واژه «عسر» است که از نظر برخی قرآن پژوهان اعجاز عددی،^۱ میان این دو واژه حاکم است. این دو واژه به سبب برخورداری از بار معنایی مهم و حیاتی که همان بازخوانی سنت و برنامه الهی است، از جهات مختلف قابل تأمل اند. هدف پژوهش حاضر، بازکاوی و بازخوانی مفهوم واژه های «عسر» و «یسر» با رویکرد تقابل دوگانه است که در بطن خود مفاهیم بنیادین را برای مخاطبان انتقال می دهند. از این رو، دو واژه متضاد و متقابل ابتدا ریشه یابی و مفهوم و پیام این دو واژه در آیات قرآن تحلیل شده و سپس در عنوانی جداگانه براساس محور تقابل دوگانه، بررسی خواهند شد. براین اساس پاسخ سؤالات زیر، نمایان ساختن ابعاد مفهومی این دو واژه خواهد بود:

۱. واژه های «عسر» و «یسر» براساس تقابل دوگانه چه مفهومی را منتقل می کنند؟

۲. هدف از کاربریست تقابل دوگانه این کلمات در گفتمان قرآنی چیست؟

پیشینه پژوهش

مفسران و لغویان، پژوهش ها و کتاب های متعددی در زمینه الفاظ قرآن و طبقه بندی آن ها از نظر معانی مشترک، متضاد و... نگاشته اند که بازکاوی مفهوم واژگان قرآنی و نیز واژگان مورد بحث این پژوهش به همراه آیات قرآنی تبیین شده اند، از جمله کتاب *الإعجاز العددي للقرآن الکریم*، تألیف عبدالرزاق نوفل که نویسنده در این کتاب به کلمات متضاد در قرآن اشاره کرده و همچنین اعجاز عددی میان آن ها را بررسی

۱. از نظر نوفل (قرآن پژوه مصری) واژگان چندی در قرآن انعکاس یافته اند که اعجاز عددی درباره آن ها صدق می کند. از جمله «واژه «عسر» به معنای «سختی» است که با مشتقاتش ۱۲ مرتبه تکرار گردیده و تمام مشتقات آن به معنای تنگی، سختی و مشکل آمده است؛ اما واژه «یسر» (راحتی و آسانی) که متضاد واژه «عسر» است، ۴۱ مرتبه تکرار گردیده که ۵ مرتبه آن، به معنای قدرت و استطاعت داشتن است که اگر این تعداد از ۴۱ مرتبه کسر شود، عدد ۳۶ باقی می ماند که سه برابر عدد واژه «عسر» است (نوفل، ۱۹۸۷: ۹۰).

نموده است. همچنین می‌توان به کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، اثر حسن مصطفوی، یا کتاب *المفردات فی غریب القرآن*، نوشتهٔ راغب اصفهانی اشاره کرد که در آن‌ها واژگان قرآن از نظر لغوی و تقابل با دیگر واژگان ... بررسی شده‌اند.

موضوع تقابل دوگانه، یکی از موضوعات مهم در زمینهٔ نقد ادبی است که پیرامون متون مختلف ادبی، دینی و... کارکرد قابل توجهی دارد. تقابل و انواع آن به طور کلی در برخی سوره‌های قرآن، موضوع پژوهش‌های اکثر پژوهشگران بوده است که به سبب طیف وسیع پژوهش‌ها در مطالعات قرآنی، در اینجا مجال ذکر همهٔ آن‌ها نیست و تنها به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- پژوهشی با عنوان «هنر سازه‌ها در آیات ترتیبی قرآن کریم (با تأکید بر نظریهٔ تقابل‌های دوگانه)» را شمس‌الدین هاشمی و دیگران در سال ۱۳۹۶ انجام داده‌اند. آنان در این پژوهش، آیات مبتنی بر تعلیم و تربیت را با هنر سازه‌های تقابل دوگانه بررسی کرده و قطب مثبت و منفی تقابل را در این آیات با الهام از نظر ساختارگرایان نقد و تحلیل نموده و روشن ساخته‌اند که در مفاهیم ارزشمند آموزه‌های الهی، عناصر منفی تقابل جایگاهی ندارد و همواره بر عنصر مثبت تقابل تأکید شده است.

- مقاله‌ای با عنوان «گونه‌های تقابل واژگان در کاربست قرآنی» توسط میرزا بابایی و قائمی‌نیا در سال ۱۳۹۳ و دیگر پژوهش‌های مشابه این موارد به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند که نگارندگان در این پژوهش‌ها با رویکرد تقابلی به گفتمان واژگان قرآن پرداخته‌اند. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، تاکنون پژوهشی مستقل به صورت مقاله دربارهٔ واژگان «عسر» و «یسر» انجام نشده است. شایان ذکر است از آنجا که این دو واژه در زمرهٔ واژگان دوگانهٔ انواع تقابل به شمار می‌آیند، این پژوهش جدای از پژوهش‌های انجام گرفته که انواع تقابل دو واژه را در متون مختلف بررسی می‌نمایند، در صدد است علل مجاورت و هم‌نشینی این دو واژه را که از آن‌ها با عنوان تقابل دوگانه تعبیر می‌شود با تکیه بر تفاسیر معتبر روشن سازد.

جستاری بر تقابل دوگانه

اصطلاح تقابل‌های دوگانه از اصطلاح انگلیسی binary opposition اقتباس شده است. binary در زبان انگلیسی نشانه دوگانه بودن است و به ستارگان دوتایی که در کنار یکدیگر قرار دارند binary star گفته می‌شود. نخستین بار نیکلای ترویتسکوی (۱۸۹۰-۱۹۳۸ م) از این اصطلاح نام برد و آن را بنیان اصلی ارزش سلسله مراتبی معرفی کرد که ریشه در تاریخ فرهنگی دارد (عبیدی نیا و دلای میلان، ۱۳۸۸: ۲۶).

در مورد تقابل دوگانه نظرات متفاوتی ارائه شده که سوسور این کارکرد را «در روند معناسازی مهم می‌داند؛ چرا که بدون کارکرد تقابل‌های دوگانه و یا حذف یک طرف آن، معناسازی به تأخیر می‌افتد. سوسور بر آن است که در قوه فاهمه بشر، هر مقوله‌ای در تقابل با مقوله‌ای دیگر درک می‌شود. «روز» همواره در تقابل با «شب» ادراک می‌شود، همچنان‌که زنده در تقابل با مرده، تاریکی با روشنی، مثبت با منفی و... (هارلند، ۱۳۸۰: ۲۱).

رومن یاکوبسن (۱۸۹۵-۱۹۸۳ م) می‌گوید: «تقابل‌های دوگانه در ذات زبان نهفته‌اند، دانستن این تقابل‌ها نخستین کنش زبانی است که کودک می‌آموزد» (احمدی، ۱۳۷۰: ۳۹۸). با توجه به نظرات یادشده تقابل دوگانه این‌گونه تعریف می‌شود: «تقابل دوگانه اصطلاحی است که در دل منطق دیالکتیکی جای دارد و به طور گسترده در استدلال‌های نظری مورد استفاده قرار می‌گیرد. تقابل‌های دوتایی راهی را مهیا می‌کنند که پویا و فرایند را وارد نظریه می‌کند. در یک تقابل دوگانه، دو قطب نه تنها باید با یکدیگر تضاد داشته باشند، بلکه باید متضاد انحصاری یکدیگر نیز باشند» (موسوی لری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۹۱). این تئوری در مطالعات قرآنی دامنه گسترده‌ای یافته و یکی از روش‌های هدفمند در تسهیل درک حقیقت در گفتمان واژگان قرآنی به شمار می‌آید؛ چرا که گفته شده «تعرف الأشياء بأضدادها». از این رو، دریدا اعتقاد دارد «تقابل دوگانه بر تضاد و نظام دو قطبی تقابل‌ها استوار است. پدیده‌ها در این نظام دو قطبی تقابل‌ها

همواره بر حسب ضد خودشان تعریف می‌شوند» (داد، ۱۳۸۵: ۸۳).

ریشه‌شناسی واژه‌های «عُسر» و «یُسِر»

واژه «عُسر» مصدر است به معنای دشوار شدن و سخت بودن. اسم مصدر آن «عُسْرَة»، صفت مشبیه «عَسِیر، عَسِر» و مؤنث اسم تفضیل «عُسْرِی» می‌باشد (رازینی، ۱۳۸۶: ۱۸۶). «یسر» مصدر یا اسم مصدر است به معنای آسان شدن، توانگر شدن، دارا شدن. مصدر میمی یا اسم زمان آن «میسرَة»، صفت مشبیه «ییسیر»، مؤنث اسم تفضیل «ییسری» می‌باشد (همان، ۳۰۵).

«عُسر» به معنای تنگی دست، ضد «یسر» است و در معنای کار سخت و روز سخت نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۳۲۶). «عسر» ضد «یسر» است و آن تنگی و سختی است و «یوم عسیر» به معنای روز سخت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴/۵۶۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۰۱-۴۰۲). «یسر» ضد «عسر» است و «تیسر الشیء» و «استیسر» به معنای «تسهّل» در کار خیر است (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۸/۵۷۵). ابن فارس در معجم مقاییس اللغة و مصطفوی در کتاب التحقیق، واژه «یسر» را چنین ریشه‌یابی کرده‌اند: «گشایش و سبکی و سبکبالی و دیگری، عضوی از اعضا (اعضا، منظور دست چپ است که نسبت به دست راست کمتر در سختی قرار می‌گیرد و بیشتر کارها برعهده دست راست است)» (ابن فارس، ۱۹۷۹: ۶/۱۵۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۴/۲۴۲). «یسر» به معنای آسانی و بی‌نیازی و «الیسری» نیز از ریشه «ی س ر» مؤنث «الیسر» به همین معناست (الزبیر، ۱۹۹۱: ۲/۱۰۲۶). راغب در کتاب مفردات پیرامون واژه «عسر»، چنین می‌گوید: «عسر به معنای سختی نقطه مقابل سیر است و «تعاسر القوم» به معنای دشواری خواستن در کار برای یکدیگر است (راغب اصفهانی، ۲۰۰۷: ۲/۴۳۵). به طور کلی با توجه به کتب لغات، واژه «عُسر» در معنای سختی به کار رفته و واژه «یسر» علاوه بر معنای آسانی، دو معنای دیگر نیز گرفته که در مجموع سه معنا را ارائه می‌دهد: ۱. آسانی

در کارها و یا راحتی و آسایش در زندگی؛ ۲. «میسر» به معنای قمار؛ ۳. «یسار» به معنای دست چپ.

اما سؤال مهم این است که یسر با میسر (قمار) چه رابطه‌ای دارند؟ مؤلف کتاب تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس پاسخ قانع کننده‌ای می‌دهد: «میسر مصدر «یسر» است. قمارباز مال مردم را به آسانی و بدون سختی و زحمت صاحب می‌شود و در صورت باخت نیز به آسانی مال خود را از دست می‌دهد. وجه تسمیه دست چپ نیز به همین دلیل برمی‌گردد. همان‌طور که قمارباز کارش همراه با سهولت است، دست چپ آدمی نیز نسبت به دست راست راحت طلب است و جز در مواردی، کاری انجام نمی‌دهد» (دیار البکری، بی تا: ۲۸/۲).

مفاهیم کلی واژه‌های «عسر» و «یسر» در گفتمان قرآنی

واژه «عسر» و «یسر» از جمله واژگان مهم در آیات قرآن کریم به شمار می‌آیند و بر اساس محور هم‌نشینی با واژگان دیگر به صورت زنجیره‌وار در مفاهیم مختلف عقیدتی و تربیتی جلوه نموده‌اند؛ بدین معنا که این دو واژه علاوه بر اینکه در مجاورت هم در تقابل دوگانه، مفهوم همدیگر را تکمیل می‌نمایند، در آیات چندی که جداگانه آمده‌اند، در مفاهیم گوناگونی بازتاب یافته‌اند.

۱. مفهوم واژه «عسر» در گفتمان قرآنی

واژه «عسر» از جمله واژگان کلیدی و پیام‌رسان قرآن به شمار می‌آید که در مفاهیم متعددی در آیات قرآن به کار رفته است و حتی در ادبیات تفسیری جهان اسلام نیز پیرامون آن نظرانی ارائه شده که در ادامه با تکیه بر آیاتی که این واژه در آن‌ها بازتاب یافته است، بررسی و تبیین می‌شود:

۱-۱. مشکلات زندگی

با سیری در آیاتی که واژه «عسر» در آن‌ها به کار رفته، معلوم می‌گردد که آیات حاوی این واژه، بیشتر ناظر بر گرفتاری‌ها و سختی‌هاست. می‌توان گفت: هیچ کس در زندگی به طور مطلق راحت و آسوده نیست و نگرانی‌ها و ناراحتی‌ها، هیچ‌گاه او را ایمن نمی‌گذارند. خداوند متعال می‌فرماید:

● ﴿أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارَّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَتْرَضِعْ لَهُ الْآخَرَىٰ﴾ (طلاق / ۶)؛ آن‌ها (زنان مطلقه) را هر جا که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید و به آن‌ها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند). و اگر باردار باشند، نفقه آن‌ها را بپردازید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آن‌ها را بپردازید و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد.

از دیدگاه تفسیری، پیام آیه یادشده این است که «مرد هنگامی که زن خویش را طلاق می‌دهد، به او ضرر نرساند، به گونه‌ای که عرصه بروی تنگ گردد و مجبور شود قبل از به اتمام رساندن عده خود آنجا را ترک کند؛ زیرا خداوند از این امر نهی کرده است» (بحرانی، ۱۳۸۹: ۷۷/۹-۷۸). ﴿إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسَتْرَضِعْ لَهُ الْآخَرَىٰ﴾ در تفسیر نورنیز واژه «تعاسر» به معنای در تنگنا قرار گرفتن و سختی کشیدن آمده و گفته شده: «شیر مادر برای طفل اولویت دارد و انصراف از آن در صورتی است که انسان در تنگنا قرار گیرد. زن حق ندارد اجرت شیردادن را به قدری بالا ببرد که مرد در تنگنا قرار گیرد و اگر چنین کند، مرد آزاد است که دایه بگیرد» (قرائتی، ۱۳۸۷: ۱۰/۱۱۱). با توجه به بستر این آیه، ریشه «عسر» با واژگانی همچون «طلاق» و مواردی از این قبیل، که با توجه به سیاق آیه قبلی نمایان می‌گردد، در حقیقت پیام ارزنده‌ای را انعکاس می‌دهد و آن، همدلی و

همراهی و درک متقابل زن و مرد در موقع طلاق نسبت به کودک است؛ بدین معنا که زن و مرد نباید با ایجاد شرایط سخت، همدیگر را در تنگنا و سختی قرار دهند و حق کودک را نادیده بگیرند. این گونه موارد در مسائل روز همواره دیده می‌شوند و این آیات مفاهیم بنیادین زندگی را همراه با جنبه روان‌شناسانه آن به نمایش می‌گذارند و این خود، راهی برای ایجاد آرامش و سعادت آدمی است.

۲-۱. هشدار به کافران

از آنجا که اطاعت و فرمان برداری از دستورات دینی، ضامن راه‌یابی به مسیر حق و سرفرازی در آینده است، افراد بی‌ایمان و ستمگر، باید مخاطبان این‌گونه پیام‌ها قرار گیرند و برای روز مبادای خویش اندیشه کنند. واژه «عسر» برای هشدار دادن به این‌گونه افراد، با واژگانی در یک هم آبی دیالکتیک جمع شده که به آن توسعه معنایی بخشیده و از سویی نیز، پیامی متعالی را به نمایش می‌گذارند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

● «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا» (فرقان / ۲۶)؛ حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود.

● «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِيرٌ» (قمر / ۸)؛ در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) به سوی این دعوت‌کننده گردن می‌کشند، کافران می‌گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است».

در این دو آیه به وضوح، هم‌نشینی و مجاورت واژه «عسر» با واژه «کافران» مشاهده می‌شود. تعبیر و تفسیر آن از دیدگاه مفسران چنین است: «آن روز برای ظالمان روزی است سخت و دشوار؛ بدین سان آیه شریفه هشدار به ظالمان و گناهکاران و نویدی جان‌بخش برای مردم با ایمان است» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۴۰/۱۰). با توجه به تفسیر این آیات روشن می‌شود که خداوند متعال از واژه «عسر»، به روز سخت تعبیر نموده است؛

واژه «عسر» به عنوان صفت برای کلمه «یوم» به کار رفته و هدف از آن، اشاره به برپایی قیامت و سختی کشیدن کافران است و بدین سان از یادآوری و هشدار خداوند برای کافران پی می‌بریم که هرکس کفرپیشه سازد، با وضعیتی دشوار در پیشگاه حق حضور می‌یابد و برعکس هر چه درجه اخلاص و تقوا در فرد تقویت شود، راحتی و آسایش بیشتری خواهد داشت.

۲. مفهوم واژه «یسر» در گفتمان قرآنی

واژه «یسر»، ضد کلمه «عسر»، با مشتقات خود در مفاهیم چندی به کار رفته است؛ از جمله:

۲-۱. تسهیل و ساده‌گویی

از جمله آیت‌هایی که واژه «یسر» در آن‌ها به معنای تسهیل در کارها و روشی برای بازگویی تبلیغ آمده، آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰ سوره قمر است. واژه «یسر» در این آیات ساده‌گویی قرآن و نه سست بودن آن را آشکار می‌سازد. در سوره قمر بعد از هرداستان آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»؛ ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! (قمر/۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)، تکرار شده که مجموعاً چهار بار این آیه با سیمای تازه‌ای ترسیم شده است. به عبارتی دیگر، تکرار این آیات، مبین آن است که خداوند در جای جای این اعجاز آسمانی، به قابل فهم همگانی و آسان بودن متن آن اشاره می‌کند و به هدایت پذیر بودن و رستگاری مردم مُهر تأیید می‌زند؛ باشد که طریق هدایت را که خداوند، آن را با سهل‌گویی فراهم ساخته است، فرا گیرند.

فعل «یسرنا» در معنای «سهلنا» است و گفته شده کتاب‌هایی نظیر تورات و انجیل وجود دارند که اهل آن تلاوت آن را به جا آورند و کتاب‌هایشان را از اول تا آخر حفظ نکنند، آن طور که قرآن را حفظ می‌کنند (زجاج، ۱۹۸۸م: ۵/۸۸). ما قرآن را به زبان ساده و آسانی نازل کردیم و قرائت و تلاوت آن را آسان نمودیم، هنوز کتابی به این

عظمت یافت نمی‌شود که هر کوچک و بزرگ و امی و... بتواند آن را محفوظ کند و همچنین استنباط آن را آسان کردیم تا طالبان راه حق بفهمند؛ چرا که راهی به سوی علم است (میبدی، ۱۳۷۱: ۹/۹۰).

در آیه ۵۸ سوره دخان و نیز آیه ۹۷ سوره مریم، واژه «یسر»، روش ساده‌گویی برای تبلیغ و تبیین مفاهیم هدایت را انعکاس می‌دهد؛ بدین معنا که قرآن بیان محکم و منسجم مفاهیم هدایت الهی است و به همین علت، تبلیغ و یادآوری مفاهیم هدایت و رستگاری را به شکلی خاص تسهیل می‌نماید؛ خداوند می‌فرماید:

● ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (دخان / ۵۸)؛ ما آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند.

● ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلسَانِكَ لِئُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا﴾ (مریم / ۹۷)؛ و ما فقط آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آن انداز کنی.

در این آیات ضمیر «ه» به واژه «قرآن» برمی‌گردد. معنای تفسیری آیات بدین صورت است: «آسان‌گویی، شیوه‌ای قرآنی برای ارشاد است؛ البته آسان‌گویی غیر از سست‌گویی است. سخن باید محکم، ولی روان باشد. «تبشیر» و «تنذیر»، (یعنی) باید با هر گروهی به نحوی خاص سخن گفت. با متقین به زبان بشارت و با دشمنان به صورت انذار» (قرائتی، ۱۳۸۹: ۵/۳۱۵). یعنی آن را به زبان تونازل کردیم (کاشانی، ۱۰۹۱م: ۴/۵۸۴). واژه‌های «تبشیر» و «تنذیر» برای تکمیل مفهوم واژه کلیدی «یسرنا» آمده‌اند؛ بدین صورت که لازمه بشارت و انذار گروهی، دلیل آوردن است و دلیل پیامبر نیز رساندن پیام «آسان بودن کتاب حق» (قرآن) است، باشد که پند گیرند و از آن اطاعت کنند.

۲-۲. تسهیل در هدایت

در آیه ۲۰ سوره عبس، واژه «یسر» با واژه «سبیل» گره خورده است. خداوند می‌فرماید:

﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسِّرُهُ﴾ (عبس / ۲۰). یکی از بهترین نعمت‌هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده، نشان دادن راه و روشی است که به هدایت می‌انجامد. هدایت یکی از اصول همگانی است که لازمهٔ بشارت دادن به انسان‌ها، آسان نمودن راه و روش آن است. در آیهٔ مذکور واژهٔ «سبیل» در معنای راه و روش هدایت به کار رفته و اتمام حجت خداوند را به بهترین شکل ممکن بازتاب می‌دهد.

۲-۳. حاکمیت خداوند

واژهٔ «یسر» در برخی آیات، مفهوم ربانیت خداوند و حاکمیت او را بازتاب می‌دهد. آیات ۱۹ و ۳۰ احزاب، ۸ انشقاق، ۳۰ نساء، ۷۰ حج، ۱۹ عنکبوت، ۴۴ ق، ۲۲ حدید و ۷ تغابن از این گونه آیات به شمار می‌روند که در همهٔ آن‌ها، مضمون و محتوایی ارزشمند و قدسی موج می‌زند. در اینجا به دلیل شمار فراوان آیات یادشده به چند مورد بسنده می‌شود:

● ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (حج / ۷۰)؛ آیا نمی‌دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟! همهٔ این‌ها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار) و این بر خداوند آسان است.

● ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (عنکبوت / ۱۹)؛ آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس بازمی‌گرداند؟! این کار برای خدا آسان است.

● ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (حدید / ۲۲)؛ هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همهٔ آن‌ها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خدا آسان است.

با توجه به مضمون آیات یادشده، روشن می‌گردد که یکی از معانی واژهٔ «یسر»، احاطهٔ

منظم خداوند بر همه چیز و سهل بودن همه تجلیات به دست خداوند است. این واژه در جای جای قرآن برای گوشه زدن به بهانه‌های افراد بی‌ایمان و ستمگر به کار رفته تا از این میان به افکار اشتباه آن‌ها خاتمه داده شود و آسان بودن محتوای احکام و شریعت از یک سو و علم و قدرت خداوند از سوی دیگر، در همه حال اثبات گردد.

بررسی مفهوم واژه‌های «عسر» و «یسر» در قرآن کریم با رابطه تقابل دوگانه

در مطالعات قرآنی، بررسی متن قرآن با رویکردهای ادبی و زبان‌شناختی با صبغه الهیاتی پیشینه‌ای دیرین دارد. صبغه الهیاتی در این رویکردها از آنجا نشئت می‌گیرد که این مطالعات بیشتر با اهداف تفسیری داشته‌اند یا در راستای اثبات اعجاز قرآن به لحاظ بیانی کوشیده‌اند؛ اما به موازات رویکردهای الهیاتی می‌توان از رویکرد دیگری یاد کرد که با متن قرآن، تنها به مثابه اثری ادبی مواجه می‌شود و فارغ از هدفی فراتر می‌کوشد ویژگی‌های هنری این متن را بشناسد. این رویکرد به معنای نفی جنبه دینی قرآن نیست و لزوم دیدگاه‌های الهیاتی را انکار نمی‌کند، بلکه در واقع، هدف نهایی مطالعه زبان‌شناختی در متن قرآن را تنها شناخت وجود زبان و رویکرد ادبی آن قرار می‌دهد. در این رویکرد، مبنای اصل، آن است که قرآن در کلیت خود، متن ادبی واحدی به شمار می‌رود. سپس تلاش می‌شود تا ساختار زبانی این متن ادبی تحلیل شود. از ویژگی‌های این رویکرد آن است که باب ارائه نظریه‌های جدید در تحلیل زبان‌شناختی متن، باز است؛ زیرا هدف نظریه‌های زبان‌شناختی جدید در رویارویی با متون ادبی، تنها شناخت ویژگی‌های این متون، به مثابه آثاری زبانی است. از جمله برجسته‌ترین این نظریه‌ها، نظریه ساختارگرایی است که در پی پیدایش دانش زبان‌شناسی نوین پدید آمده است. از آنجا که نظریه ساختارگرایی، دیدگاه و روش خود را از دانش زبان‌شناسی وام می‌گیرد، این نظریه را می‌توان چارچوبی کارآمد برای تحلیل یک متن ادبی دانست (خورشا و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۲). از آنجا که تقابل یکی از عناصر مهم در بحث بلاغت و زیبایی‌شناسی است و از سوی دیگر، هم‌آیی گفتمان تضادها، معنا و مفهوم خود را در

تئوری ساختارگرایانه پیدا می‌کنند؛ هدف از واکاوی واژه‌های «عسر» و «یسر» علاوه بر تبیین رابطه سختی و آسانی در نظام ساختاری تقابل دوگانه، به جنبه زیبایی‌شناسی و هنری آن نیز می‌انجامد.

آنچه از آموزه‌های قرآنی برمی‌آید، زندگی دنیوی، آزمون بزرگ جامعه بشری است و انسان به دلیل خلافت الهی، برای رشد و بالندگی خود، همواره باید از آزمون‌های سختی عبور کند. برخی از سختی‌ها و مشکلاتی که در پیش روی انسان قرار می‌گیرند، ناشی از مجازات کارهای او در این دنیایند و به عنوان مجازات کیفری شناخته می‌شوند تا انسان متوجه اشتباه خود شود. این دسته از مجازات، باز به رحمت الهی برمی‌گردند؛ چرا که این گونه مجازات، جرقه‌هایی برای بیداری و آگاهی انسان می‌باشند. برخی از مشکلات و مصیبت‌های وارده برانسان، آزمون و امتحان الهی است. به طور کلی، آدمی در زندگی دنیوی خود با انواع آلام و گرفتاری‌ها مواجه می‌شود که در مقابل آن‌ها خداوند متعال در نعمت و رحمت خود را برای او گشوده و نسبت سختی به آسانی را یک به دو قرار داده است. این مفاهیم در آیات قرآن به صورت محور هم‌نشینی به کار رفته که از نظر تقابل دوگانه، قابل بررسی و تأمل می‌باشند.

با توجه به سیرآیاتی که این دو واژه در آن‌ها به کار رفته است، در موارد چندی به هم‌آیی دیالکتیک تقابل این واژه‌ها برمی‌خوریم که در ادامه به بررسی و تحلیل آن‌ها از دیدگاه تفسیری و نظم تقابلی دوگانه می‌پردازیم:

﴿وَإِنْ كَانَ دُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۸۰)؛ و اگر [وامدار] تنگ‌دست بود، مهلتی باید، تا گشایشی یابد، و اگر بدانید، بخشیدن آن برایتان بهتر است.

در این آیه، دو واژه «عسر» و «یسر»، براساس رابطه تقابل دوگانه ترسیم شده‌اند. «عسرة»؛ یعنی تنگ‌دستی و عاجز بودن از وفا به دین (مجمع اللغة العربية، ۲۰۰۴: ۶۰۰؛ فیومی و آخرون، ۱۴۱۴: ۲/۴۰۹). ميسره: «میسره» و «یسار» به معنای بی‌نیازی است

(راغب اصفهانی، ۲۰۰۹: ۸۹۲/۲). گفته‌اند: «میسره»، یا مصدر میمی به معنای یسار و وسعت است یا اسم زمان به معنای وقت یسار و گشایش که بدهکار توان ادای دین می‌یابد (الدرویش، ۱۴۱۵: ۴۳۲/۱).

همان‌طور که از بافت و سیاق آیه برمی‌آید، دو واژه «عسر» و «یسر» در یک مسئله مهم اخلاقی و تربیتی زندگی، تقابل دوگانه برقرار کرده، تبیین جایگاه تقابلی این دو واژه به نظم و انسجام گفتمانی آن‌ها معنا می‌بخشد؛ بدین معنا که در تحلیل تقابلی هر واژه در سیستم نظام مند قرآن، انسجام حاکم میان دو واژه، از معنا و مفهومی گره می‌گشاید. در این آیه واژه «عسر» قبل از واژه «یسر» به کار رفته و یک بُعد از ابعاد مسائل تربیتی و اخلاقی را نمایان می‌سازد و به برجسته کردن مفهوم «به دنبال هر سختی، آسانی است» کمک می‌کند. خداوند در این نظم تقابلی دوگانه، تسهیل کارها بعد از سختی را برای مخاطبان هر دو واژه، گوشزد می‌کند.

در اینجا رابطه تقابل آشکار را در می‌یابیم که یک وجه از وجوه سیمای این دو واژه انعکاس یافته است؛ بدین معنا که قرار گرفتن در شرایط سخت (عسر)، در مقابل آن آسان گرفتن (یسر)، تضادی است که به طور کامل علاوه بر ترسیم زیبایی هنری، محتوا و مضمونی امیدبخش را برای مخاطبان القا می‌کند و خبر می‌دهد که سختی‌ها گذرا و سازنده‌اند و آدمی باید با در نظر گرفتن رحمت گسترده الهی به الطاف و اسعه وی امیدوار باشد. به واقع، عنصر تقابل از جمله ساز و کارهایی است که برای مفهوم بخشیدن یک واژه در مقایسه با واژه دیگر به عرصه می‌آید و سیمای واژه مقابل را عینیت می‌بخشد.

﴿لَيَنْفِقَنَّ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ (طلاق / ۷)؛ تا توانگر بروفق خود خرج کند و کسی که روزی‌اش تنگ شده است، در همان حد که خداوند به او بخشیده است خرج کند. خداوند بر هیچ کس جز بروفق آنچه به او بخشیده است، تکلیف نمی‌کند. زودا که

خداوند پس از تنگنا، آسایش مقرر دارد.

آیه بدین صورت تفسیر می‌شود که «حق مسکن، نفقه و مزد شیردهی بر وفق توانمندی شوهر است به شرط آنکه صداقت و تقوا رعایت شود و می‌فرماید خداوند به زودی بعد از سختی، راحتی فراهم می‌آورد. هم زنی که طلاق گرفته و هم مردی که طلاق می‌دهد و با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند، نباید بی‌تابی کرده رشته تقوا و صبوری را پاره کنند؛ چرا که کارها به تدریج اصلاح می‌پذیرد» (بهرام پور، ۱۳۹۱: ۵۵۹). مرد هنگامی که زن خویش را طلاق داد، به او ضرر نرساند، به گونه‌ای که عرصه بروی تنگ گردد و مجبور شود قبل از به اتمام رساندن عده خویش آنجا را ترک کند؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده است (بحرانی، ۱۳۸۹: ۷۸/۹-۷۷).

«سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا». در این جمله به اشخاص تهی دست تسلیت و دلداری داده، مژده می‌دهد که به زودی خدای عزوجل بعد از تنگ دستی و سختی، گشایش و رفاه می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۹/۵۳۳).

با توجه به تفاسیر متعدد که تفسیری شبیه به هم درباره‌ی آیه مذکور ارائه داده‌اند، روشن می‌گردد که واژه «عسر» در معنای سختی و کلمه مقابل آن «یسر» به معنای آسانی به کار رفته‌اند. در اینجا سخن به گونه‌ای جلوه نموده که تصور می‌شود دو واژه ناسازگارند؛ اما با کمی تأمل مشخص می‌گردد که ناسازگاری در کار نیست؛ بدین معنا که تقابل دوگانه حاصل از این دو واژه و در پی آمدن «یسر» بعد از «عسر»، امیدواری و گشایش راه‌ها بعد از سختی و مشقت را بیان می‌کند. دو واژه «عسر» و «یسر» در آیه مذکور در مورد مشکل طلاق به کار رفته که از جمله مشکلات بزرگ زندگی به شمار می‌آید. شایان ذکر است که در سایه تقابل دو واژه «عسر» و «یسر»، جایگاه انفاق را در آسان شدن زندگی درمی‌یابیم؛ بدین معنا که انفاق یکی از موارد مهم گشایش کارهاست که در این آیه، به آن توجه خاص مبذول شده و آن، راه برون‌رفت از سختی به آسانی به شمار آمده است.

﴿شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (بقره/ ۱۸۵)؛

[ایام روزه] ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده است که راهنمای مردم است و آیات روشنگری شامل رهنمودها و جداکننده حق از باطل دربردارد، پس هرکس از شما که در آغاز ماه حاضر [مقیم] بود براوست که روزه بگیرد و هرکس بیمار یا در سفر بود، باید تعدادی از روزه‌های دیگر [روزه بدارد]، خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد، تا سرانجام شمار [روزه‌های روزه] را کامل کنید و خداوند را برای آنکه رهنمونیتان کرده است، تکبیر بگویید و باشد که سپاسگزار باشید.

از دیدگاه تفسیری، آیه بیان می‌کند که «اسلام دین آسان و روان است و تکلیفی فراتر از توان انسان ندارد و چون روزه گرفتن مریض و مسافر غالباً مشقت‌زا و دشوار است، آیه مورد بحث درباره استثنای مریض و مسافر از وجوب روزه، نفی عسر و نیز وجوب قضا برای جبران و تکمیل شماره روزه‌های فوت شده چنین می‌فرماید: خداوند در رخصتی که به مریض و مسافر داده است، برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌طلبد تا تعداد روزه‌های افطار شده را با قضا تکمیل کنید» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۷۵/۹).

بدین سان می‌توان نتیجه گرفت واژه‌های «عسر» و «یسر» در روابط مفهومی و بینامتنی آیه، در مفاهیم تعلیمی زندگی و احکامی به کار رفته که از واجبات دینی است. کاریست هر دو واژه به صورت متقابل و متضاد است؛ در این آیه کارکرد دو واژه بر اساس انسجام و نظمی متفاوت از آیات قبل بازتاب یافته، بدین صورت که در تقابل دوگانه آن‌ها، نخست واژه «یسر» آمده و این نیز از مفهوم خاصی پیروی می‌کند که بافت و سیاق آیه می‌طلبد؛ خداوند در این آیه یکی از احکام واجب (روزه) را بیان می‌کند و همراه آن به تسهیل بودن شرایطش اشاره می‌کند و در یک هم‌آیی گفتمانی، واژه‌های

«عسر» و «یسر» را در تضاد و تقابل دوگانه قرار می‌دهد تا از این طریق به مفهوم هریک اشاره کرده باشد. از این رو می‌توان گفت که کارکرد تقابلی دوگانه این گونه واژگان، بدون حجت و برهان نبوده و در هریک حکمت و رازی نهفته است که با تبیین تک تک این واژگان، راز آن‌ها کشف می‌شود.

ساختار آیه از منظر تقابل دوگانه بدین صورت است که دو قطب مثبت (یسر) و منفی (عسر) در نفی یکی و اثبات دیگری در مقابل هم قرار گرفته‌اند؛ بدین صورت که ساخت و محتوای آیه طوری است که قطب مثبت (یسر) را ترجیح می‌دهد و به یکی از آموزه‌های متعالی خداوند، صحنه می‌گذارد: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾. پس در سیمای این دو واژه متقابل، متفاوت از دیگر آیات، هم‌نشینی این دو واژه تبلور یافته و به صورت آشکار، آسانی را تصدیق نموده است، بدون اینکه آن را لازمه سختی بداند یا برعکس.

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (انشرح ۵)؛ بی‌گمان در جنب دشواری، آسانی است.

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (انشرح ۶)؛ آری در جنب دشواری آسانی است.

دیدگاه تقابل دوگانه این آیات بدین صورت است که دو واژه «عسر» و «یسر» در یک محور هم‌نشینی، در تضاد و تقابل هم قرار گرفته‌اند و تضاد و پارادوکس میان این دو واژه برقرار است. بدین معنا که اگر سختی وجود دارد، قطعاً بعد آن آسانی وجود خواهد داشت و این گونه‌ای از تقابل دوگانه است که این دو واژه با زیبایی هنری، مفاهیمی گوناگون و جامع ترسیم کرده‌اند. در آیات یادشده انسجام تقدیم واژه «عسر» بر واژه «یسر» میان دو واژه متقابل حاکم است و آن نیز از مفهوم خاصی پیروی می‌کند. بر این اساس، تجلی واژه «عسر» گوشه زدن به سختی‌ها و به دنبال آن بازتاب واژه «یسر»، ایجاد امید به سعادت در آینده است.

در این آیات نوعی گره‌گشایی از مشکلات انعکاس یافته که بافت موقعیتی آیات نشان‌دهنده آن‌هاست. از ایده تقابل دوگانه این دو واژه روشن می‌شود که وجود یکی

لازمه اثبات معنای دیگری است و این نوع تقابل در این گونه واژگان که مفاهیم بنیادین را به تصویر می‌کشند، کارایی بسیاری دارد.

از دیدگاه علامه طباطبایی، «آیه در تعلیل آیات گذشته است؛ چون رسالتی که خدای تعالی بر آن جناب تحمیل کرده، و دستور داد مردم را به سوی آن دعوت کند سنگین‌ترین باری است که بر یک بشر تحمیل شود، و معلوم است که با قبول این مسئولیت کار بر آن جناب دشوار شده و همچنین تکذیبی که قومش نسبت به دعوتش نموده و استخفافی که به آن جناب کردند و اصراری که در محو نام او می‌ورزیدند، همه برای آن جناب دشواری روی دشواری بوده، و خدای تعالی در آیه قبلی فرمود: ما این دشواری‌ها را از دوش تو برداشتیم. معلوم است که این عمل خداوند متعال، مانند همه اعمالش بر طبق سنتی بوده که در عالم به جریان انداخته، و آن این است که همیشه بعد از هر دشواری، سهولتی پدید می‌آورد. به همین جهت مطلب دو آیه قبل را تعلیل کرده به اینکه اگر از تو وضع وزر کردیم و اگر نامت را بلند ساختیم، برای این بود که سنت ما بر این جاری شده که بعد از عسر، سیر بفرستیم. بنابراین احتمال، لام در کلمه «العسر» لام جنس خواهد بود، نه لام استغراق. می‌خواهد بفرماید جنس عسرا این طور است که به دنبالش سیر می‌آید، نه تمامی فرد فرد عسرها، و بعید هم نیست که سیر یا عسرا از مصداق سنتی دیگر باشد و آن، سنت تحول حوادث و تقلب احوال و بی‌دوامی همه شئون زندگی دنیا است» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۰/۵۳۳-۵۳۲).

در کتاب الفرج بعد الشدة آمده است «این آیه برای بشارت به پیامبر ﷺ و امت او آمده است که خداوند به همراه یک سختی، دو آسانی قرار داده است، بدین شرط که در مواقع سختی، به خداوند متعال رغبت نشان دهند و با خلوص نیت او را اطاعت کنند» (تنوخی، ۱۹۷۸: ۵۹/۱).

با توجه به موارد یاد شده، این دو واژه را می‌توان با مسائل و مشکلات دنیای کنونی نیز مورد تطبیق قرار داد. لذا این کلمات جنبه روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به خود

می‌گیرند؛ مثلاً چه بسا در جامعه‌ای یک اتفاق طبیعی از جمله سیل، زلزله و... رخ می‌دهد که برخی افراد، رفتار نابهنجاری نسبت به این اتفاق از خود بروز می‌دهند و این اتفاق ناگوار را برخاسته از گمراهی یا گناه افراد آن جامعه می‌دانند؛ اما این‌گونه موارد با آموزه‌های قرآنی ارتباط دارد و حامل پیام‌های ارزشمندی است؛ بدین معنا که همان‌طور که واژه «عسر» سختی و مشکلات را بازتاب می‌دهد، در پی آن خداوند آسانی و گشایش در کارها را نیز برای افراد باایمان و صبور هموار می‌سازد. بنابراین در مواردی که بلاهای طبیعی به سراغ یک جامعه می‌آید، می‌بینیم که افراد با همدلی و همدردی در صدق حل مشکلات برمی‌آیند و در اینجاست که مفهوم جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه این واژگان، خود را بروز می‌دهند. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، برای گشایش کارها باید خلوص نیت داشته باشیم و در مواجهه با حوادث با صبر و شکیبایی، همواره به درگاه خداوند متوسل شویم. تنوخی نیز در کتاب *الفرج بعد الشدة* که نوع «گشایش» را با احوال ناخوش خود مناسب می‌بیند، با جمع‌آوری داستان‌هایی با موضوع یاد شده، تأثیر رفتار انسانی و اخلاقی قهرمانان داستان‌هایش در رهایی از مشکلات را تبیین می‌کند.

﴿فَسَيُسِّرُهُ لِيُسْرَى﴾ (لیل / ۷)؛ زودا که راهش را به سوی خیر و آسانی هموار کنیم.

﴿فَسَيُسِّرُهُ لِّلْعُسْرَى﴾ (لیل / ۱۰)؛ زودا که راهش را به سوی شر و دشواری هموار کنیم.

مفسران در تفسیر آیه ﴿فَسَيُسِّرُهُ لِّلْعُسْرَى﴾ معتقدند: «یعنی مشکلات به سرعت و آسانی به او متوجه می‌شود. در دنیا به بلاها و شدائد و سختی‌ها دچار و در آخرت به غل و زنجیر و عمود و تازیانه و حمیم و غساق و زقوم و آتش و روی سیاه و حشر با شیاطین و سایر عذاب‌ها گرفتار می‌شود (طیب، بی‌تا: ۱۴/۱۴۰). خداوند از شر، جز آسانی آن را برای او نمی‌خواهد (عیاشی، ۱۴۲۱: ۳/۱۷۱).

کارکرد فعل «سنیسه» در اینجا از ریشه «یسر» و در معنای فراهم کردن و آسان نمودن است. واژه «عُسری» نیز مؤنث اسم تفضیل و در معنای سختی و دشواری است، بنابراین تقابل دو واژه را در این آیه شاهدیم که پیام ارزشمندی نیز به نمایش گذاشته‌اند.

با توجه به تفسیر آیه، نمایان می‌شود که محتوای آیه درباره شریعت اسلام و ندای پیروی از آن است. براین اساس، تبعیت از آن، یسر و آسانی و اما نافرمانی از آن، دچار شدن به گرفتاری‌ها را به دنبال خواهد داشت. پس در این آیه نوعی تقابل دوگانه تناقضی را شاهدیم؛ بدین معنا که آسان کردن سختی‌ها تضاد و پارادوکس است و این چینش در آیه، زیبایی هنری خاصی را بازتاب داده است. البته ترکیب تضاد در اینجا از روی استهزاء نمی‌باشد؛ بلکه نوعی تکنیک خاص برای ترسیم سیمای عاصیان است تا از این طریق، به اندیشه و ایمان ناخالص آن‌ها گوشه بزند.

با کمی تأمل معلوم می‌گردد که در سوره لیل به طور کلی واژه‌های «عسر» و «یسر» در آیاتی جداگانه و به طور متضاد قرار گرفته‌اند: ... «فَسَيُسِّرُهُ لِيُسِّرِي» (لیل / ۷) ... «فَسَيُسِّرُهُ لِلْعُسْرِي» (لیل / ۱۰). این‌گونه کاربرد در قرآن کریم، علاوه بر ایجاد آهنگ و زیبایی هنری، مفاهیم پربار نیز دارند. «مراد از «فَسَيُسِّرُهُ لِيُسِّرِي» این است که توفیق اعمال صالحه را برای او بدهد و انجام این‌گونه اعمال را برایش آسان سازد، به طوری که هیچ‌گونه دشواری در آن نباشد، یا منظور این است که او را آماده حیاتی سعید کند؛ حیاتی نزد پروردگارش، حیاتی بهشتی ... و مراد از «فَسَيُسِّرُهُ لِلْعُسْرِي»، خذلان و ندادن توفیق اعمال صالح است، به این‌گونه که اعمال صالح را در نظرش سنگین کند و سینه‌اش را برای ایمان به خدا گشاده نسازد و یا او را آماده عذاب کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۵۱۰-۵۰۹).

به طور کلی در این آیات به دو تقابل دوگانه پی می‌بریم که در هر بار مفاهیم واژه‌های «عسر» و «یسر» برجسته می‌نماید. اول در خود دو آیه واژه‌های «عسر» و «یسر» با رویکرد و نظم تقابل دوگانه، انعکاس یافته‌اند. در این سوره ترتیب تقابل به صورت تقدیم واژه «یسر» بر واژه «عسر» جلوه نموده و از روابط مفهومی و بافت سوره و با توجه به تفسیر آیات، کاربرد تقدیمی نمایان می‌شود؛ بدین معنا که در آیات مذکور، نوعی اطاعت و فرمان‌برداری مورد نظر است که خداوند متعال برای هدایت و راهنمایی فرمان‌بران و

افراد با ایمان، راه را آسان خواهد نمود و برای کسانی که سرپیچی از فرمان الهی را در پیش گرفته‌اند، مشقت و سختی را فراهم خواهد ساخت. پس با توجه به این موارد که از سیاق سوره برمی‌آید، تقابل دوگانه دو واژه «عسر» و «یسر» در این آیات، یکی از ابعاد معنایی و مفهومی آن‌ها یعنی هدایت همگانی را در یک هم‌آیی دیالکتیک و گفتمانی به تصویر می‌کشد. دیگر تقابل دو گانه در آیه ۱۰ سوره لیل مشاهده می‌شود که توضیح و تحلیل آن گذشت.

نتیجه‌گیری

- از میان واژگان اصلی در قرآن کریم، دو واژه «عسر» و «یسر» به دلیل ویژگی چندبطنی بودن آن‌ها از کارکرد قابل توجهی برخوردارند. این دو واژه از جمله اعجاز عددی در قرآن به شمار می‌آیند؛ بدین معنا که واژه «عسر» با کار بست ۱۲ مرتبه و واژه «یسر» ۳۶ مرتبه؛ مبین گشایش سختی‌ها و مشکلات است و خداوند به ازای یک سختی، دو آسانی قرار داده است؛ به عنوان مثال، همان‌طور که در توضیح و تحلیل آیات ۵ و ۶ سوره انشراح گذشت، در این آیات واژه «عسر» با الف و لام تکرار شده که بیانگر یک عسر شناخته شده است؛ اما واژه «یسر» نکره آمده که مبین دو یسریا پسری بعد از یسر دیگر است. بر این اساس، اگر یک عسر و سختی وجود داشته باشد، دو طرف آن را یسر و آسانی احاطه کرده است؛ یعنی پیش از به وجود آمدن عسر و سختی، آسانی وجود دارد و پس از آنکه عسر و سختی می‌آید، دوباره یسر و آسانی به سراغ آدمی خواهد آمد. از همین رو گفته شده که نسبت میان آسانی و سختی دو به یک است و این نیز اعجاز عددی میان این دو واژه را انعکاس می‌دهد.

- معنا و مفهوم واژه «عسر» در آیات به کار رفته، ناظر بر سختی و مشقت است؛ اما معنای واژه «یسر» علاوه بر ۳۶ مورد که در تضاد معنای واژه «عسر» است، در معنای «قدرت» و در سه مورد به معنای «قمار» است.

- واژه «عسر» در مفهوم کلی، نمایی از مشکلات و گرفتاری‌ها را با خود به همراه دارد و محتوای آیات، مشکلات و سختی‌ها را به نمایش می‌گذارد؛ یعنی اگر چه سختی‌ها انسان را در مشقت قرار می‌دهد؛ اما اگر لوازم آن فراهم گردد این سختی‌ها و تنگناها پایان یافته، به آسانی می‌گراید. در مقابل آن واژه «یسر»؛ تسهیل در امور از جمله هدایت، تبلیغ و احاطه آسان خداوند بر تجلیات را ترسیم می‌نماید.

- ساختارگرایان تقابل‌های دوگانه را از مهم‌ترین مؤلفه‌های تبیین متن تلقی می‌کنند و در قرینه‌سازی تقابلی دو مقوله که از جنبه معنایی در تضاد با یکدیگرند، آن‌ها را در برابر هم قرار می‌دهند و با کمک این تقابل، مخاطب را به مفهوم و معنای مورد نظر خود رهنمون می‌سازند. با توجه به آیاتی که هم‌نشینی تقابلی واژه‌های «عسر» و «یسر» در آن‌ها وجود دارد، تقابل این دو واژه، نشان از وجود ملازمه میان آن‌هاست؛ بدین گونه که اگر سختی نباشد آسانی نخواهد بود. در برخی موارد مثلاً احکام روزه که یکی از تعالیم مهم دینی به شمار می‌آید، قطب مثبت (یسر) به طور آشکار بر قطب منفی (عسر) ترجیح دارد. بدین سان این دو واژه متأثر از بینش متعالی خداوند، برای هشدار مواردی از جمله: آسانی بعد از سختی و امیدبخشی در مشکلات مادی، معنوی (بیشتر مخصوص پیامبر ﷺ) به کار رفته‌اند. این دو واژه از جمله واژگان نویدبخش الهی به شمار می‌آیند که برای سعادت و خوشبختی در گفتمان قرآنی ذکر شده‌اند.

منابع

کتاب

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و بهاء‌الدین خرمشاهی.
۲. ابن سیده، ابی الحسن، المحکم و محیط الاعظم، تحقیق عبد الحمید الهنداوی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دار الفکر، قم، ۱۹۷۹م.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵. احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن (شالوده‌شکنی و هرمنوتیک)*، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۰ش.
۶. اسکولز، رابرت، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۹ش.
۷. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، *تفسیر البحر المحیط*، تحقیق و تعلیق عادل عبدالموجود و علی محمد معوض، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۳م.
۸. بحرانی، هاشم، *ترجمه تفسیر روایی البرهان*، ترجمه رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورشیا، کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
۹. بروجردی، ابراهیم، *تفسیر جامع*، نشر جلیل، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۰. بهرام پور، ابوالفضل، *تفسیر مبین*، نشر آوای قرآن، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.
۱۱. تنوخی، محسن بن علی، *الفرج بعد الشده*، تحقیق عبود الشالجبی، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۸م.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، تحقیق و تنظیم حیدر علی ایوبی، حسین اشرفی و محمد فراهانی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ش.
۱۳. داد، سیما، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، نشر مروارید، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
۱۴. الدرویش، محی الدین، *إعراب القرآن الکریم و بیانہ*، الیمامة للطباعة والنشر والتوزیع، دمشق، ۱۴۱۵ق.
۱۵. دیار البکری، حسین، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفیس النقیس*، دار صادر، بیروت، بی تا.
۱۶. رازینی، علی، *پژوهشی پیرامون مفردات قرآن*، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دارالقلم - الدارالشامیه، بیروت - دمشق، ۲۰۰۹م.
۱۸. الزبیر، محمد، *سجل أسماء العرب*، جامعة السلطان قابوس، مکتبه لبنان، ۱۹۹۱م.
۱۹. زجاج، ابی اسحاق، *معانی القرآن و اعرابه*، شرح و تحقیق عبدالجلیل عبده شلبی، عالم الکتب، بیروت، ۱۹۸۸م.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۷۴ش؛ چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۷ش.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه علی کرمی، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. طیب، عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه جهانی سبطین، قم، ۱۴۲۱ ق [ناشر چاپی: کتاب فروشی اسلام؛ ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای فاطمیه اصفهان].
۲۴. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. عظیمه، محمد عبدالخالق، *دراسات لأسلوب القرآن الکریم*، دار الحدیث، قاهره، بی تا.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۲۱ ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، گردآورنده: محسن آل عصفور، دار الهجره، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، دار الهجره، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۳۰. فیض کاشانی، مولی محسن، *کتاب الصافی فی تفسیر القرآن*، تحقیق سید حسن حسینی امینی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمد الکاظم، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۲۰۰۱ م.
۳۲. مجمع اللغة العربیة (بدون مؤلف)، *المعجم الوسیط*، مکتبه الشروق الدولیه، قاهره، چاپ چهارم، ۲۰۰۴ م.
۳۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دار الکتب العلمیه، قم، چاپ نهم، ۱۳۷۱ ش.
۳۵. ملبدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۳۶. نوفل، عبدالرزاق، *الإعجاز العددی للقرآن الکریم*، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۹۸۷ م.

۳۷. نوریس، کریستوفر، *شالوده‌شکنی*، ترجمه پیام یزدانجو، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. ویلم برتنز، یوهانس، *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه سجودی، نشر آهنگ دیگر، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۹. هارلند، ریچارد، *ابریساخت‌گرایی (فلسفه ساخت‌گرایی و پساساخت‌گرایی)*، ترجمه فرزانه سجودی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۰ ش.

مقالات

۱. خورشیا، صادق و دیگران، «ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به مثابه اثر ادبی از دیدگاه نظریه ساختارگرایی»، *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ششم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵ ش.
۲. عبیدی نیا، محمد امیر و علی دلائی میلان، «بررسی تقابل‌های دوگانه در ساختار حدیقه سنایی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۱۳، ۱۳۸۸ ش.
۳. کوپال، عطاءالله، «چالشی برچیرگی بی‌چون و چرای حقیقت در مکتب ساختارگرایی»، *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، شماره ۷، ۱۳۹۴ ش.
۴. موسوی لر، اشرف السادات و دیگران، «مطالعه تطبیقی تقابل‌های دوتایی سوره مبارکه اللیل با رنگ‌های کتیبه آن و نت‌های مربوطه»، *کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی*، ۱۳۹۵ ش.